

۷ نمایش در جشنواره تئاتر کودک و نوجوان

اسامی آثار راه یافته به بخش خردسالان بیست وهشتمین جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان - اردکان اعلام شد. هیات انتخاب آثار بخش «مسابقه تئاتر خردسال» متشکل از رضا بابک، آرتنا رضایی و محمود دهقانی هراتی، پس از ارزیابی آثار ارسالی در بخش خردسال، آثار برگزیده خود را اعلام کردند. این هیات سه نفره پس از بررسی ۳۱ اثر ارسالی به دبیرخانه، پنج اثر به صورت قطعی و دو اثر را مشروط به بازبینی مجدد برای

حضور در بخش نهایی به شرح زیر انتخاب کردند: ۱- نمایش «سفر به ماه» به نویسندگی و کارگردانی آرسین ناصری مهر از تهران، ۲- نمایش «موش دم بریده» به نویسندگی و کارگردانی حامد ترابی از همدان، ۳- نمایش «عطر قشنگ دوستی» به نویسندگی نگار نادری و کارگردانی سیده منصوره قییمی از گیلان، ۴- نمایش «گم شدن هویچ آقا، سیب زرده و کلوجه خانم» به نویسندگی مجید بخششیان و کارگردانی مهناز

آقایایی از خراسان رضوی، ۵- نمایش «تاریکی» به نویسندگی غزاله عبادی براساس طرحی از زینب مقیسه و کارگردانی غزاله عبادی از تهران (مشروط)، ۶- نمایش «قلقل نبین چه ریزه» به نویسندگی و کارگردانی زهره قاسمی از تهران (مشروط) و ۷- نمایش «بچه های حبه» به نویسندگی و کارگردانی علی ساقی از خراسان رضوی (مشروط). نمایش های انتخاب شده براساس اولویت های ذکر شده در فراخوان انتخاب شده اند./ جام جم



در گفت وگو با مجید رحمتی، کارگردان نمایش «ط» حاضر در بخش هویت ملی جشنواره تئاتر فجر عنوان شد

طیب هویت ملی ماست



علی رحیمی گروه فرهنگ و هنر

«ملتی که تاریخ خود را نداند، محکوم به تکرار آن خواهد بود» این جمله گرچه معروف و در عرصه تئوریک همواره مورد تاکید بوده و هست اما در عمل آن گونه که باید نه سرلوحه برنامه سیاستمداران بوده و نه عموم جامعه آن را مورد توجه قرار داده اند. ماحصل این عدم توجه، از دست دادن باورمندی به فرهنگ ملی، ایجاد اختلال، ابهام و انحراف های شناختی در حافظه تاریخی و در نتیجه گرایش ناآگاهانه به فرهنگ های بیگانه و استعلاله فرهنگی می شود.

۴] عموما مخاطبان شما را در کسوت بازیگر می شناسند، چه شد که تصمیم گرفتید به عنوان کارگردان نمایش «ط» را کارگردانی کنید؟

البته این نخستین تجربه کارگردانی من نیست. پیش از این نمایش هایی مثل «منتشا»، «مجلس فراقنی دلقکی دولتی به نام بهرام و فامیلی ام رو هم نمیکم» و نمایش «آری یا نه» که برداشتی بود از نمایشنامه «آن که گفت آری آن که گفت نه» برتولت برشت است را روی صحنه بردم. در پاسخ به سؤال شما هم باید عنوان کنم من و کهد تاراج سال هاست کنار هم کار می کنیم. وقتی آقای تاراج طرح اولیه را نوشت، چون قصه زندگی طیب حاج رضایی و پرتره های مربوط به اشخاص تاریخی، تائیدگذار و اسطوره ای را دوست دارم علاقه مند شدم آن را برای اجرا آماده کنم. یک درخواست اجرا برای محرم در سالن ایران شهر داشتیم و چون مهم ترین بخش زندگی آقای طیب حاج رضایی که معروف به حر انقلاب بود - بعد از انقلاب به شاهرخ ضرغام نیز لقب حر انقلاب داده شد- در ۱۵ خرداد ۴۲ که مصادف محرم بود اتفاق می افتد، موافقت شد ما این نمایش را امسال روی صحنه بردیم.

۴] در این نمایش از چه زاویه ای سعی کردید به زندگی طیب حاج رضایی نگاه کنید؟

خوب کهد تاراج در نوشتن متن تاریخی می گوید: «برای نوشتن درباره تاریخ از کسی اجازه نمی گیرم». لذا در این قصه بخشی روایت مستند زندگی طیب و بخشی نیز زاینده ذهنی آقای تاراج است.

این اثر نمایشی به روایت افراد مختلف از مقاطع گوناگون زندگی اجتماعی و سیاسی طیب حاج رضایی از جمله رمضان یخی که با او درگیری هایی از قبل داشت و سرهنگ نصیری می بردازد. برای من غیر از این که وجه دراماتیک نمایشنامه و سندیت اتفاقات تاریخی که در متن روایت می شود، مهم بود درباره نقاط عطف زندگی طیب حاج رضایی با کهد تاراج، نویسنده نمایشنامه بحث و تبادل نظر داشتیم. از طرفی در کنار توجه به این جنبه های ساختاری که در اجرا هم به کمک بازیگران و هم کارگردان می آمد، به عنوان کارگردان و طراح نمایش قطعا برای این شخصیت یک ما به ازای جامعه شناسی داشتم، چون شخصیت هایی را که به تصویر می کشم خوب باید مطلق نباشند و این برایم اهمیت دارد و این مسأله را مورد توجه قرار می دهم که به شخصیت خاکستری این افراد در جامعه امروز نزدیک شوم. بنابراین اگر قرار است یک

قهرمان یا اسطوره را به تصویر بکشم به تمام ابعاد شخصیتی اش می پردازم و همه نقاط ضعف و قدرتش را مورد توجه قرار می دهم. **۴] با این تعریف، پرداختن به زندگی طیب حاج رضایی در زمانه اکنون، چه پرسشی را در ذهن مخاطب ایجاد می کند؟**

اگر قرار باشد به عنوان نماینده مخاطب باشم در طول تاریخ هنر، تئاتر برای رصد کاستی ها و نقاط ضعف جامعه است و در نقش قاصد (معنای رگ زن)، یعنی کسی که به تن جامعه بیشتر بزند و چرک و کنافت را بیرون ببرد و به سمع و نظر آدم ها برساند عمل می کند، چون همه مردم نمی توانند حرف های شان را بزنند. به یاد دارم یکی از کارگردانان فقید آلمانی می گفت صدراعظم آلمان هر سال در ایام کریسمس ما را دعوت می کند و می گوید شما هنرمندان نگاه موشکافانه ای به جامعه دارید، بیابید نقاط ضعف و قوت جامعه را به ما بگویید. این نگاه نشان می دهد هنرمندان به عنوان حلقه واسطه میان دولت و مردم، چه نقش مهمی ایفا می کنند. هنرمندان نماینده مردم هستند. این رسالت باید به عهده هنرمند باشد تا ضعف های جامعه را در هر زمینه ای رصد و گوشزد کند.

قطعا خیلی از مردم کشورمان در طول تاریخ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مان تاثیرگذار بوده اند و پرشش و چالش اصلی ما این بوده که اگر یک نفر مقابل یک سیستم دیکتاتوری ایستاده، وظیفه ما این است که با نظرانداختن به گذشته بتوانیم پرششی برای حال و نظری نیز به آینده داشته باشیم و به قول کارگردان و صاحب نظر برزیلی آگوستو پوال که تئاتر ستم دیگنان و تئاتر پنهان را راه انداخت، می گوید وظیفه هنرمند این نیست که به پرشش های متن پاسخ دهد و بگوید این خوب و این بد است حالا تو انتخاب کن. نه، وظیفه هنرمند این است که یک پرشش تاریخی خوب مطرح کند. مخاطب تئاتر من، مردم امروز هستند و به عبارتی به روز کار می کنم. سؤال اساسی که در این نمایش مطرح می شود، این است که آیا نسل امروز پشت سر اسطوره های شان می ایستند یا همراهی شان با این شخصیت ها محدود به یک حمایت معمولی است؟

یعنی اگر قرار است جزو یک حزب، دسته و رسته باشید آن لیدری که آن ماجرا را ایجاد می کند و می خواهد مردم پشت سرش باشند، باید ایدئولوژی بزرگی داشته باشد یا خیر؟ در کل جهان همین است؛ در سراسر دنیا جنگ هایی اتفاق می افتد که مقصر آن ندیدن و نشناختن لیدر هاست. لیدر وقتی ایدئولوژی درست داشته باشد یک حکومت ظالم را از بین می برد. این سؤال تاریخی پرسیدم، چون در وضعیت

این توجه و تکریم امسال از نگاه هنرمندان دور نامند و هم در حوزه تئاتر با نمایش «ط» اثر مجید رحمتی و هم حوزه سینما با فیلم «صبح اعدام» به کارگردانی بهروز افخمی مورد توجه قرار گرفت.
با توجه به نزدیکی به اجرای «ط» در جشنواره تئاتر فجر، در ارتباط با این نمایش و دغدغه های کارگردان در تولید آن گفت وگویی با مجید رحمتی انجام دادیم.

حساسی که امروز در جامعه با آن روبه رو هستیم باید حواس مان خیلی جمع باشد که پشت سر چه کسی بایستیم و از چه مکتب و آیینی دفاع کنیم. این مسأله برایم از اهمیت بالایی برخوردار است و پرششی است که در این نمایش از نسل جوان امروز دارم.

۴] همان طور که می دانید برای انتقال یک مفهوم تاریخی و مستند و دریافت بازخورد درست از مخاطب اثر باید به واقعیت نزدیک و باورپذیر باشد؛ چقدر احساس می کنید در این زمینه موفق بودید؟

ما در این نمایش نیز تلاش کردیم نتیجه گیری نکنیم و قضاوت را برعهده تماشاگران گذاشته ام. تنها به عنوان یک راوی در این نمایش نقاط عطف زندگی طیب به تصویر کشیده می شود و این که در برهه های مختلف تاریخی چه اتفاقاتی برای این شخصیت رخ داده است. در واقع جامعه ایران را از ۶۰ سال پیش تا زمان حال می شکافیم و اتفاقات گذشته را تعمیم می دهیم به شرایط انسانی و زندگی روزمره آدم ها در زمان حاضر. ما خیلی سعی کردیم به واقعیت تاریخی رویداد بایبند و وفادار باشیم لذا به نظر من نمایش به واقعیت خیلی نزدیک بود. از طرفی برای مخاطب امروزی اثر از آن جهت برایش جذاب است که می شود از یک فضاهای تاریخی و پرتره استفاده کرد و با آن حرف امروزی زد. همان طور که قبلا هم گفتم، مابه ازای جامعه شناسی موضوع برای مان خیلی مهم بود.

۴] به اجرا برویم، در نمایش سعی کردید به نمایش های ایرانی نزدیک شوید؛ چه شد که این فرم را انتخاب کردید؟

این اجرا به نوعی به فرم اجرایی کارهای پیشین کهد تاراج مانند «علامرضا لپخندی» و «سگک» تنه می زند. همان طور که عنوان کردید در این نمایش با شیوه اجرای ترنابازی که در گذشته در قهوه خانه ها انجام می شده و در آن آدم ها را روی تخت ترنا می نشاندند و از آنها می خواستند که قصه شان را بگویند، مواجه هستیم. از این روتلاش شده در فرم و محتواتلاقی صورت گیرد تا با اجرایی خلاق روبه رو باشیم. شیوه اجرایی تک گویی و مستقیم گویی کاملا به دل کار نشسته و مناسب این متن است.

۴] شما بدطولانی در حوزه نمایش های ایرانی و آیینی و سنتی دارید و پژوهش ها و اجراهایی خوبی دارید.
چرا نمایش را با ترنا بازی شروع می کنید؟



«حیات خانه ما» در ارسباران

نمایش «حیات خانه ما» به نویسندگی و کارگردانی وحید خسروی در فرهنگسرای ارسباران اجرا می شود. این نمایش از تولیدات مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که در راستای طرح تناوبی تئاتر روی صحنه فرهنگسرای ارسباران می رود. نمایش حیات خانه ما با بازیگری امیرحسین انصافی در سال ۱۴۰۰ در مرکز تئاتر کانون تولید و با استقبال مخاطبان روبه رو شد. این نمایش پیشتر در بیست وششمین جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان به عنوان اثر برگزیده خانه تئاتر معرفی و موفق به دریافت جایزه بازیگری و نمایشنامه بخش خردسال شد. امیرحسین انصافی به عنوان بازیگر، محمدرضا شاملو به عنوان طراح نور، مژده دکریاپور به عنوان طراح و سازنده صحنه، دکور و عروسک، فروغ یزدان عاشوری به عنوان طراح لباس، مهدی اسدی تبار به عنوان طراح بوستر و بروشور با این نمایش همکاری دارند. طرح تناوبی تئاتر در راستای درخواست مراکز استان ها و با نظارت مستقیم مرکز تولید تئاتر کانون از میان تولیدات این مرکز اعزام و اجرا می شود و نمایش های شرکت کننده در این طرح به صورت اجرای صحنه ای در مناطق مختلف کشور اجرا می شود./ جام جم



جای خالی «کارگردان اولی ها» در جشنواره فجر

کارگردان نمایش خیابانی «یک آبادی عشق» معتقد است جشنواره تئاتر فجر در پرورش نسل جدید تئاتر می تواند نقش بسزایی داشته باشد و از این رو جای بخش «کارگردان اولی ها» در این رویداد خالی است. صادق حسنی گفت: نمایش خیابانی «یک آبادی عشق» براساس داستان



مردی است که در جنگ آسیب دیده و به دنبال ساخت آبادی ای مکانی برای کودکان آسیب دیده جنگ است و با روایی خود در آبادی خیالی اش زندگی می کند. وی همچنین درباره اهمیت برگزاری جشنواره بین المللی تئاتر فجر عنوان کرد: در این رویداد به عنوان مهم ترین و تاثیرگذارترین جشنواره تئاتر کشور، آثار بسیاری از هنرمندان برگزیده به اجرا درمی آید، بنابراین می تواند در توانمندسازی تئاتر استان ها تاثیر بسزایی ایفا کند و هنرمندان تئاتر با دیدن آثار یکدیگر در تولید آثار جدید خود نگاهی ویژه و خاص به هنرهای نمایشی داشته باشد. این جشنواره همچنین در پرورش نسل جدید تاثیر صدجندانی دارد که البته این ویژگی باید در رویکرد جشنواره گنجانده شود که بر این اساس بخشی به عنوان «کارگردان اولی ها» در جشنواره گنجانده شود که نسل جدید خود را بتواند ارزیابی کند اما متأسفانه جای این بخش در جشنواره تئاتر فجر خالی است./ مهر

یکی از رسوم فراموش شده ماست که در گذشته مورد توجه بوده است. مفاهیمی که در ترنابازی وجود دارد این است که تو هر آدمی با هر مقام و منصبی که باشی روی تخته ترنا با دیگران فرقی نداری. این بازی یک نیت مذهبی دارد و ضرباتی که در آن می زنند، القایی است از تازیانه هایی که در مسیر کربلا تا شام به اسرای کربلا می زدند و در آن تلاش می شود مفاهیم مرام، معرفت و مردانگی را به سمع و نظر بیننده برسد.

تکنه مهم ویژگی هایی است که این بازی با خود همراه دارد. مثلا در این بازی ما آشتی کتان داریم، همه برنامه با سلام و صلوات همراه است، در آن به یک سری افراد مثل کودکان، زنان، پهلوانان، خانم ها و سیدها احترام می گذارند و به آنها کرنا نمی زنند و از همه مهم تر این که مردم برای نذر، نیت می کنند و برای اجابت نیت شان ترنا می خورند.

متأسفانه روی آیین ها و رسوم ایرانی کار نشده و با وجود تلاش بزرگانی همچون بهرام بیضایی، عباس جوانمرد، فتحعلی بیگی و ... به مرور به فراموشی سپرده شده اند یا آن قدر به شکل بدی اجرا می شوند که نسل امروز آنها را پس می زند.

چیزی که برای من جذاب بود این که آن تعزیه خوان غیر از کار مذهبی اش چه کار می کند، چهار ساعت تماشاگر دارد و خودش نگه می دارد، یا نکال چه کار می کند، یک ساعت

مخاطب بدون پلک زدن به حرف های او چشم می دوزد.

متأسفانه در دانشگاه و فضاهای علمی همه از تئاتر ایرانی متنفر شده اند. این درحالی است که زاین، هند و کشورهای آسیایی اطراف ما همچنان به نمایش های سنتی خود وفادارند. می شود این سنت را به زبان جهانی تعریف کرد.

۴] در کور هم سعی کردید فضای باز و ساده و همراه یک خلأ ایجاد کنید. این فضا را هم از نمایش ایرانی عاریه گرفتید؟

نمایش های آقای تاراج در این سال ها همیشه ساختار روایی دارد و این فضای خالی را خود بازیگر و شخصیتی که بازی می کند باید پر کند. من خیلی ساد به زبان استفاده کردم. همان تخت انگار شخصیت نویسنده ما به عنوان کارگزار بازی تمام شخصیت ها را پیش می کند، وقتی پیش می کند باید بیاید روی تخت ترنا و داستانش را برای تماشاگر بگوید. سعی کردم روی تخت ترنا یک تکه تخته صندوق میوه بزنم که نماد تره بار هم باشد.

برش



ای کاش بخش هویت ملی مجزادآوری می شد

بخش هویت ملی یکی از اقدامات خوب جشنواره بود. زمانی که جشنواره مهم و تأثیرگذاری همچون جشنواره بین المللی تئاتر فجر به عنوان بزرگ ترین رویداد تئاتری کشور در حال برگزاری است، قطعا جای بخش هویت ملی در آن خالی بوده و بسیار خوشحال هستم که این بخش به جشنواره اضافه شده است. به هر حال آیین و رسوم، فرهنگ ملی و تاریخی، قهرمانان ملی و دیگر داشته های تاریخی، فرهنگ و اجتماعی ما که متعلق به این خاک و مردم این سرزمین است، هویت ملی ما را تشکیل می دهند و باید بیش از پیش توسط هنرمندان مورد توجه قرار گرفته و به مخاطبان معرفی شوند. با وجودی که اعتقاد دارم تئاتر متر و معیار نباید داشته باشد اما ای کاش بخش هویت ملی را مجزا دآوری می کردند.

به هر حال یک شخصیت هایی در مملکت بوده اند که چه به لحاظ تاریخی و چه مذهبی در روند این کشور تاثیرگذار بودند و شناخت بیشتر آن می تواند در تصمیم گیری ها امروز اثر بگذارد. امیدوارم به آنها بیشتر پرداخته شود.



افتتاح پلاتوی تماشاخانه ایران شهر

پلاتوی جدید تماشاخانه ایران شهر که پیشتر محل دپوی دکور این مجموعه بود، افتتاح شد. حمید نیلی، رئیس تماشاخانه ایران شهر در این مراسم گفت: یکی از خنایه های که در تماشاخانه ایران شهر داشتیم، پلاتویی برای تمرین گروه های تئاتری بود. در اینجا میزبان تمرین گروه ها و پیشنهادهای اجرایی در حوزه کارهای تجربی و اجراهای مونولوگ خواهیم بود. امیدوارم سالن جدیدی به ایران شهر اضافه شود که مصعب هایی در این زمینه از قبل مطرح شده بود و امیدوارم به سرانجام برسد. در این مراسم عنوان شد این پلاتوی ۸۰ متری از هم اکنون در اختیار گروه های تئاتری قرار می گیرد.